

آینده پژوهی تعلیم و تربیت مهدوی، با رویکرد همگرایی فناورانه

هدایت کارگر شورکی^۱

فاطمه پاک نژاد^۲

چکیده

مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که نظام تعلیم و تربیت مهدوی، با وجود نقش راهبردی در انتقال اندیشه وحیانی به جامعه، خود تحت تأثیر مؤلفه‌های مختلف، از جمله نظام علم و فناوری قرار دارد و انتظار آن است، جریان نوپدید همگرایی فناورانه دارای آثار بنیادین بر آن باشد؛ اما این تأثیرات چندان روشن نیست و مهم‌تر، آن که سرنوشت نظام یادشده در مواجهه با فناوری‌های همگرا مبهم است. برای یافتن پاسخ این پرسش، پژوهش کیفی حاضر با استفاده از تکنیک‌های دلفی و سناریونگاری می‌کوشد آینده‌های محتمل در این جریان را تصویرسازی کند. در این راه، ابتدا فهرستی از کلان‌روندهای همگرایی فناورانه احصا و اولویت بندی شد و در ادامه با تلاقی دادن عدم قطعیت‌های ناظر بر این روندها، چهار سناریو از آینده نظام تعلیم و تربیت مهدوی (شامل شجره طیبه، ملک سلیمان، شجره خبیثه و ابراهیم در آتش) طراحی شد. یافته‌های این مطالعه می‌تواند مسئولان نظام تعلیم و تربیت دینی و مهدوی را در مواجهه آینده‌نگرانه با جریان توسعه علم و فناوری، به ویژه فناوری‌های همگرا راهنمایی کند.

واژگان کلیدی: مهدویت، تعلیم و تربیت مهدوی، همگرایی فناورانه، فناوری‌های همگرا، آینده‌پژوهی.

مقدمه

به گواهی مستندات متعدد و مدارک معتبر، تلاش علمی و دقیق برای دینی ساختن علوم انسانی، به ویژه دانش تربیت، از مباحث مهم فراروی اندیشمندان مسلمان به شمار می آید (هاشمی، ۱۳۸۵: ص ۱۸۷). مفهوم کلی تربیت دینی، به منزله زیرساختی برای زمینه سازی به منظور دستیابی اعضای جامعه، به مراتب ایمان و کسب دستاوردهای فردی و اجتماعی، پدیده ای کلیدی در توسعه اجتماعی جوامع دین باور محسوب می شود (توسلی، ۱۳۹۲: ص ۱۵۳). علاوه بر این و به صورت خاص، استقرار «نظام تعلیم تربیت مهدوی» از اهمیت راهبردی و سرنوشت ساز در مکتب اسلام برخوردار است و از همین رو، گروه های مختلفی از قبیل خانواده، نظام آموزشی، رسانه ها و جامعه برای همراهی در اجرای این تعهد مشترک به همکاری دعوت شده اند (قاسمی نژاد و لک زایی، ۱۳۸۹: ص ۱۲۹). در نظام جمهوری اسلامی نیز پرداختن به تعلیم و تربیت اعضای جامعه اسلامی، اعم از کودکان، نوجوانان و جوانان، بر اساس ذخیره های ارزشمند مکتب تشیع و به ویژه آرمان انتظار و مهدویت، مسئله ای کلیدی به شمار می آید و تلاش برای تحقق نظام آموزشی و پرورشی متناسب با مختصات حیات طیبه دینی، همواره از دغدغه های مسئولان ارشد نظام جمهوری اسلامی بوده است (بقایی و همکاران، ۱۳۹۲: ص ۱۶۵). اهمیت و حساسیت نظام تعلیم و تربیت مهدوی برای جامعه کنونی ما از آن جا مضاعف می شود که امید می رود از طریق شناسایی مبانی تعلیم و تربیت مهدوی بتوان موجی از اندیشه های معنوی و انسان ساز اسلامی را به ساختارها و ارکان جامعه مدرن امروزی، از جمله سازمان ها و دانشگاه ها و مدارس و رسانه ها تزریق کرد (فروزنده دهکردی و همکاران، ۱۳۹۰: ص ۱۰۷).

براساس دیدگاه بسیاری از متفکران و دین پژوهان معاصر، از آن جا که بخش مهمی از تعلیم مکتب مهدویت، در برگیرنده موضوعاتی از قبیل توجه به آینده، بایستگی آمادگی رو به آینده، برنامه ریزی و همچنین زمینه سازی برای شکل گیری آینده مطلوب است؛ میان این بخش از آموزه های اسلامی با روش ها و نگرش های ناظر بر مفهوم آینده پژوهی، تناسب و قرابت فراوانی وجود دارد (کارگر، ۱۳۹۷: ص ۶۵). این تناسب و همسویی تا حدی است که بعضی از صاحب نظران معتقدند در شریعت آسمانی اسلام، آموزه های مهدویت به عنوان مهم ترین جنبه از



رویکرد آینده‌پژوهی دینی قابل معرفی و ترویج است (علی اکبری، ۱۳۹۲: ص ۱۴۳)؛ و بر همین اساس، توصیه کرده‌اند که تعالیم متعالی مهدوی با نگاهی آینده‌پژوهانه مورد بررسی، تبلیغ و تعلیم قرار گیرد (قربانی، ۱۳۹۲: ص ۱۲۳). این جاست که میان دانش نو آینده‌پژوهی و نظام ارزشی تعلیم و تربیت مهدوی پیوندی راهگشا شکل می‌گیرد که حاصل آن، پدید آمدن رشته‌ای از تحقیقات و مطالعات مبتنی بر روش‌شناسی مدرن آینده‌نگارانه خواهد بود که چشم انداز پیش‌رو از پدیدار تعلیم و تربیت مهدوی را تصویرسازی می‌کند.

در میان جریان‌های تأثیرگذار بر آینده‌تمدن بشری در ابعاد و لایه‌های گوناگون، آنچه با عنوان «همگرایی فناورانه» یا «فناوری‌های همگرا» شناخته می‌شود؛ گروهی از شگفت‌آورترین دستاوردها را بشارت می‌دهد که از ارتقای توانایی‌های فیزیکی و ذهنی انسان شروع می‌شود و تا اتصال همواره و یکپارچه میان تمامی عناصر زنده و غیرزنده جهان طبیعی و مصنوعی ادامه می‌یابد. این پدیده بسیار جدید که از هم‌افزایی و ترکیب هوشمندانه میان چهار دانش پیشرفته نانوفناوری، زیست‌فناوری، فناوری اطلاعات و علوم شناختی حاصل می‌آید؛ چنان تحولاتی را در سرتاسر حیات فردی و اجتماعی بشر ایجاد خواهد کرد که از آن، با عنوان «رنسانس جدید» یا «انقلاب تمدنی فراگیر» یاد (کارگر شورکی و همکاران، ۱۳۹۷: ص ۱۰۶) و پیش‌بینی می‌شود که هیچ پدیده‌ای، از جمله نظام تعلیم و تربیت مهدوی از دامنه تأثیرات شگرف ناشی از آن به دور نخواهد ماند.

با توجه به جایگاه کم‌نظیر نظام تعلیم و تربیت مهدوی در نهضت فرهنگ‌ساز اسلامی و همچنین بنا بر توصیه‌های رسیده از بزرگان مکتب تشیع مبنی بر ضرورت توجه به آینده و آماده کردن جامعه مهدوی برای حضور تأثیرگذار و موفق بر آینده جهان، مقاله حاضر تلاش می‌کند با نگاهی آینده‌پژوهانه، پدیده تعلیم و تربیت مهدوی را مورد تحلیل و تصویرسازی قرار دهد. در این راه، تمرکز اصلی بر جریان نوپدید همگرایی فناورانه (ترکیب هم‌افزا میان نانوفناوری، زیست‌فناوری، فناوری اطلاعات و علوم شناختی) است تا بتوان آینده‌های محتمل از تعلیم و تربیت مهدوی را در سایه تحولات برخاسته و قابل پیش‌بینی از فناوری‌های همگرا ترسیم کرد. در واقع، هدف از مطالعه پیش‌رو آن است که ابعاد مختلف از تأثیرات جریان همگرایی فناورانه بر تعلیم و تربیت مهدوی را شناسایی و با رویکردی آینده‌نگارانه، سناریوهای ممکن از آینده این



پدیده را به روشی علمی معرفی کند.

پیشینه نظری و پژوهشی

به نظر می‌رسد که در زمینه آینده‌پژوهی نظام تعلیم و تربیت مهدوی با رویکرد فناوری‌های همگرا، سوابق نظری و پژوهشی کافی در دسترس نیست؛ چرا که با وجود مطالعات اندکی که در زمینه آینده‌نگاری تأثیرات فناوری‌های همگرا در حوزه‌های مختلف انجام شده است؛ تاکنون تحقیق مستقلی که تأثیرپذیری نظام تعلیم و تربیت مهدوی را از این جریان مورد تحلیل قرار داده باشد، صورت نگرفته است. با توجه به این سطح از کمبود سوابق تحقیقاتی، ضرورت اجرای مطالعه حاضر و همچنین تمایز و نوآوری این پژوهش به صورت مضاعف درک می‌شود. خلاصه‌ای از مبانی نظری مرتبط با قلمروی موضوعی این پژوهش را می‌توان به شرح زیر گزارش کرد:

الف) تعلیم و تربیت مهدوی

تحقق اهداف توسعه جوامع در ابعاد مختلف فردی و اجتماعی، مستلزم وجود زیرساخت‌ها و خرده نظام‌های متعدد و به هم پیوسته‌ای است که در میان آن‌ها خرده نظام آموزش و پرورش از جایگاهی مرکزی و اهمیتی بنیادین برخوردار است؛ به صورتی که موفقیت یا ناکامی سایر عناصر و اجزای نظام توسعه، از قبیل رشد اقتصادی، توسعه فرهنگی، سلامت و امنیت، به میزان کارآمدی نظام تعلیم و تربیت وابسته خواهد بود. این خرده نظام پراهمیت و اولویت‌دار در جوامعی که با نگاه مذهبی مدیریت شوند و مناسبات اجتماعی شهروندان بر تعالیم دینی مبتنی باشد؛ از خصوصیات و شرایط ویژه‌ای برخوردار است (توسلی، ۱۳۹۲: ص ۱۵۵-۱۵۷). نظام تعلیم و تربیت دینی در چنین جوامعی می‌کوشد تا بینش و رفتار انسان‌ها، خانواده‌ها و گروه‌ها را مطابق با آرمان‌های مورد انتظار مکتب دینی حاکم تنظیم کند و از این راه، همسویی الگوهای رفتاری شهروندان با هنجارهای معنوی را تضمین کند. برخی صاحب‌نظران، نظام تعلیم و تربیت دینی را مجموعه‌ای از ساختارها، فرایندها و دیدگاه‌ها تعریف کرده‌اند که ترکیب هماهنگی از معارف دینی ناظر بر توانمندسازی دانشی و بینشی دین‌باوران را استخراج، تدوین و



منتقل می‌کند (هاشمی، ۱۳۸۵: ص ۱۸۷).

ساحت ویژه‌ای از نظام تعلیم و تربیت دینی در مکتب اسلام، با استناد به تعالیم برخاسته از اندیشه مهدویت، تلاش دارد فرهنگ انتظار و آینده‌سازی را در ذهن و رفتار انسان نهادینه کند. در تبیین اهمیت تعلیمی و جایگاه تربیتی آموزه‌های مهدویت چنین گفته شده است که این مفاهیم را باید عصاره ناب تمام معارف اسلامی دانست که در آن ظرفیت‌های بسیاری وجود دارد که لازم است از آن‌ها برای پرورش افراد جامعه به منظور زمینه‌سازی شرایط ضروری برای ظهور در جهت تحقق جامعه، تراز اسلامی بهره‌برداری شود (عبداللهی و موسوی نسب، ۱۳۹۳: ص ۸۱). پیوند میان نظام تعلیم و تربیت با آموزه‌های مهدویت را می‌توان در این واقعیت نیز سراغ گرفت که مفهوم جهان‌گستر عدالت اجتماعی که از جمله اصلی‌ترین آرمان‌های مهدویت به شمار می‌آید؛ دارای ابعاد و مولفه‌های متعددی است که بخش مهمی از آن در ساختار تعلیم و تربیت نمودار خواهد شد (نصیری، ۱۳۸۷: ص ۲۱۱).

باید پذیرفت که هسته مرکزی نظام تعلیم و تربیت مبتنی بر آموزه‌های مهدویت، برنامه‌ریزی و تلاش هدف‌مند برای تربیت انسان‌هایی موحد، پویا، امیدوار به آینده و منتظر واقعی مصلح جهانی است که این انسان‌ها ضمن دوری از اندیشه‌های پوچ‌گرایانه، در تکاپوی دستیابی به حیات طیبه و ساختن جامعه زمینه ساز و منتظر گام برمی‌دارند (بقایی و همکاران، ۱۳۹۲: ص ۱۶۵). چنین حرکتی را که از جنس و فرهنگ و اندیشه و باور است، باید از دوران خردسالی و متناسب با اقتضائات کودکی و نوجوانی طراحی و محقق کرد. از همین روست که در تجارب عملی مروجان نظام تعلیم و تربیت مهدوی، رسانه‌هایی نظیر شعر، قصه، نقاشی و نمایش برای دستیابی به اهداف و آرمان‌های این نظام دینی و تربیتی پیشنهاد شده است (عبداللهی و موسوی نسب، ۱۳۹۳: ص ۱۰۷) و امید است که از طریق بهره‌گیری هوشمندانه از این قالب‌ها و همچنین ضمن مواجهه خرد ورزانه با ویژگی‌ها و خواسته‌های مخاطبان خردسال این جریان، سازکارهایی مطمئن برای تحقق کامل و دقیق نظام تعلیم و تربیت مهدوی در آینده‌سازان جامعه دنبال شود.

از آن‌جا که به استناد دیدگاه متفکران و اندیشه‌ورزان اسلامی، مهم‌ترین کارکرد مکتب مهدویت، تعالی بخشی به اخلاق و معنویت در سطح جامعه دینی محسوب می‌شود (محمدی،



۱۳۹۲: ص ۱۱۴)؛ چنین انتظار است که الگوی جامعی از تربیت مهدوی برای دوران معاصر طراحی و نظریه پردازی شود که بتوان با تکیه بر آن بلیه‌ها و ابتلائات امروز جوامع مسلمان را برطرف کرد؛ ضمن آن که برای مواجهه با اوضاع جدید و ناشناخته در دین‌ورزان آمادگی نسبی پدید آورد (موسوی، ۱۳۹۲: ص ۹۲). طبیعی به نظر می‌رسد که چنین ضرورتی تنها از طریق تدوین چشم‌انداز بلندمدت نظام تعلیم و تربیت مهدوی قابل پیگیری است که خود، از بایسته‌های اساسی این عرصه خوانده شده است. چنین نگاهی که بر این باور هوشمندانه شکل گرفته باشد، ضمن ارائه تصویری مطلوب و آرمانی و قابل دستیابی از ارزش‌ها و باورهای فراوری جامعه، تقویت‌کننده این امیدواری خواهد بود که آینده‌ای مبتنی بر عدالت و حاکمیت توحید در سراسر جهان در انتظار ماست و لذا ضروری می‌نماید که برای نقش‌آفرینی موثر بر چنان چشم‌اندازی آماده شویم (کارگر، ۱۳۹۲: ص ۱۰۰).

ب) همگرایی فناورانه

طی نخستین سال‌های قرن بیست و یکم و براساس گزارشی که در سال ۲۰۰۱ میلادی از اجلاس علمی در بنیاد ملی علوم آمریکا منتشر شد؛ مفهومی جدید در ادبیات علم و فناوری جهانیان متولد گردید که امروزه آن را با عنوان همگرایی فناورانه^۱ یا فناوری‌های همگرا^۲ می‌شناسیم. هرچند برخوردهای اولیه با این اندیشه، سرشار از بهت و ناباوری و حتی انکار بود؛ به تدریج، مبانی فکری مستحکمی یافت و به سرعت در میان محافل علمی و اجرایی کشورهای پیشرفته دنیا نفوذ کرد. واضعان این تفکر معتقد بودند که جهان در آستانه انقلاب تمدنی عظیمی قرار گرفته است که دلیل آن همگرایی و هم‌افزایی میان چهار دانش-فناوری بسیار پیشرفته است. این فناوری‌های چهارگانه که ترکیب آن‌ها را با استفاده از حروف اولشان در انگلیسی «انیک^۳» و در فارسی «شزان^۴» نامگذاری کرده‌اند، عبارتند از: نانوفناوری (یا ریزفناوری)، زیست فناوری (فناوری حیاتی)، فناوری اطلاعات و ارتباطات (فاوا) و علوم (یا

1. Technological Convergence
2. Convergent Technologies
3. NBIC: Nanotechnology, Biotechnology, Information technology, Cognitive science

۴. شزان: شناختی، زیستی، اطلاعات، نانو.

فناوری‌های) شناختی (کارگر شورکی و همکاران، ۱۳۹۷: ص ۱۰۹).

قابل یادآوری است که هرچند، مفهوم همگرایی و هم‌افزایی میان دانش‌ها و فناوری‌های مختلف دارای قدمتی دیرینه است و بیش‌تر صنعتگران و فن‌آوران با این ادبیات آشنایی دارند؛ قابلیت‌های بسیار ویژه‌ای که در ترکیب این چهار فناوری خاص وجود دارد، دنیایی کاملاً جدید و وضعیتی بسیار بدیع را به وجود خواهد آورد که گفته می‌شود، حتی درک تمامی جنبه‌های آن برای ذهن امروز بشر، دشوار و چه بسا ناممکن است. از آن‌جا که دستکاری مواد شناخته شده در مقیاس نانو می‌تواند ویژگی‌های شگفت‌انگیز و تجربه نشده از ماده را پدید آورد (مانند آب‌گریزی یا تغییر رنگ و وزن) و همین مداخلات در سازکارها و سامانه‌های حیاتی موجودات زنده می‌تواند به تحولاتی شگرف در نیازها و کارکردهای آن‌ها منجر شود (مثلاً پرورش گیاه یا جانورانی بدون نیاز به اکسیژن یا غذای محیطی)؛ انتظار چنین است که تلفیق این دو دانش با فناوری اطلاعات که قدرت کنترل لحظه‌ای بر داده‌ها و سامانه‌ها را فراهم می‌آورد، دنیایی یکپارچه و قابل کنترل را شکل دهد که تمامی اجزا و عناصر زنده یا غیرزنده‌اش به یکدیگر متصل هستند (اینترنت همه‌چیز). چنانچه این ترکیب سه‌گانه را بتوان در ابعاد شناختی انسان وارد و سازکارهای مربوط به کارکرد مغز را نیز برایش طراحی کرد، چنین امید است که سیطره ذهن بشر بر این جهان جدید، به صورتی مداوم، متکامل و بی‌کران حاصل آید (همان، ۱۳۹۸: ص ۲).

طرفداران جریان همگرایی فناورانه شزان مدعی هستند که بازسازی ذره به ذره جهان طبیعت، به مدد فناوری‌های همگرا امکان‌پذیر است و در این دنیای نوساخته، تمامی ابعاد و وجوه فردی و اجتماعی انسان، از قبیل اقتصاد، محیط زیست، سلامت و بهداشت، آموزش و پرورش، اخلاق و معنویت، فلسفه و... تاثیراتی عمیق و بنیادین خواهند پذیرفت. دستاورد اولیه چنین اوضاعی آن است که بحران‌های مزمنی همچون آلودگی زیست محیطی، کمبود آب و غذا، کاهش منابع سوخت، جنگ‌ها و ترورها و رشد جمعیت؛ به سرعت حل خواهند شد؛ هرچند منتقدان این رویکرد، هشدار داده‌اند که حتی پس از رفع این نگرانی‌ها، بحران‌هایی جدید و البته چالشی‌تر فراروی بشر همگرا قرار خواهد گرفت که یکی از آن‌ها «هویت‌ناشناسی» است؛ چرا که انسان مجهز شده به انبوهی از فناوری‌های همگرا که به صورت پوشیدنی یا کاشتنی از آن‌ها استفاده می‌کند و به یاری این فناوری‌ها از قدرت جسمی (سرعت، انعطاف، قدرت و...) و همچنین



توانایی‌های ذهنی (هوش، حافظه، قدرت یادگیری و...) بسیار بالاتری نسبت به انسان‌های واقعی و پیش از خود برخوردار است؛ نمی‌تواند خود را همچنان بشر بداند (مختاری، ۱۳۹۸: ص ۳۳).

هرچند قلمرو فناوری‌های همگرایی شزان روز به روز در حال گسترش است و هیچ سکون و ثباتی در حوزه نفوذ این جریان جدید علمی-فناورانه وجود ندارد؛ می‌توان برخی از شناخته‌شده‌ترین حوزه‌های معرفی شده از همگرایی فناورانه انبیک را بدین ترتیب برشمرد: زیست‌شناسی مصنوعی، سنجش زیستی، واقعیت مجازی، واقعیت افزوده، نانوزیست فناوری، نانوپزشکی، هوش مصنوعی، نانوالکترونیک، نانوفوتونیک، سایبرنتیک، روباتیک، عصب‌شناسی، چاپ سه بعدی، اینترنت همه چیز، شبیه‌سازی و مدل‌سازی (کارگر شورکی و همکاران، ۱۳۹۷: ص ۱۱۶). یادآوری می‌شود که دستاوردهای این همگرایی، به مصنوعات ملموس و مشهود (مانند کالاها یا محصولات جدید) محدود نخواهد بود و بخش مهم‌تری از این خروجی‌ها به جنبه شناختی انسان و افزایش قابلیت‌های ذهنی بشر مربوط است.

ج) آینده پژوهی

ترس از مواجهه با آینده، همواره با انسان همراه بوده است و دلیل اصلی آن را باید نااطمینانی از ادامه روندهای موجود دانست که از تجربیات چه بسا تلخ بشر در طی قرن‌ها حاصل شده است. انسان‌ها آموخته‌اند که با پیش‌بینی آینده، بهتر می‌توان آن را ساخت (فیروزآبادی، ۱۳۸۷: ص ۱۴۵) و بر مبنای همین نکته است که ساحتی در علم با عنوان «آینده‌پژوهی» شکل گرفته است. آینده‌پژوهی، حوزه نسبتاً جدیدی از معارف بشر است که به لحاظ گستردگی و تنوع حوزه‌های مرتبط، دانشی کم نظیر محسوب می‌شود و دستاوردهای بسیار مهمی برای کشورها و جوامع به ارمغان آورده است؛ به‌گونه‌ای که آن را در زمره مهم‌ترین ابزارهای تصمیم‌سازی در دنیای کنونی دانسته‌اند (قربانی، ۱۳۹۲: ص ۱۲۳). آینده‌پژوهی، به عنوان یکی از حوزه‌های مطالعاتی، مأموریت دارد وضعیت آینده جهان را ترسیم کند تا بتوان آن را به شیوه‌ای موفقیت‌آمیزتر مدیریت کرد (کارگر، ۱۳۹۲: ص ۹۸). به بیان دیگر، آینده‌پژوهی، هنر شکل دادن به آینده است و از این منظر که قدرت شناخت و تحلیل تغییرات محیطی پیش‌رو را در اختیار



انسان هوشمند قرار می‌دهد؛ از حیاتی‌ترین علوم مورد نیاز جوامع و مکاتب به شمار می‌آید (پوررستمی، ۱۳۹۲: ص ۳۱). به همین دلیل است که امروزه، آینده‌پژوهی، به عنوان دانش شناخت و شکل‌دهی به آینده، جایگاه مهمی در دنیا پیدا کرده و به عرصه‌های مختلف زندگی انسان‌ها وارد شده است (علی اکبری، ۱۳۹۲: ص ۱۴۳).

براساس دیدگاه برخی محققان، فرایند آینده‌پژوهی را می‌توان مجموعه اقداماتی مطالعاتی دانست که بر شناخت آینده در موضوعات و پدیده‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و فناوری تمرکز دارد و می‌کوشد امکان انتخاب، برنامه‌ریزی و مواجهه آگاهانه و مدبرانه با آن‌ها را در حد مطلوب و مؤثر فراهم آورد. این دانش نسبتاً نو، در صدد ایجاد دوراندیشی و آینده‌شناسی در سطوح مختلف زندگی بشری است تا ضمن بیان اهمیت و ضرورت توجه به رویدادها و تحولات فراروی جهان، توانایی برخورد سنجیده و مناسب با آن‌ها را فراهم و یا الگوها و سناریوهای مطلوب و موجهی برای آن ارائه کند (کارگر، ۱۳۹۷: ص ۶۵). صرف نظر از حوزه پژوهش، آینده‌پژوهی به شناخت یا مطالعه آینده‌های ممکن و مطلوب جامعه می‌پردازد تا بتوان براساس شناخت گذشته و اوضاع کنونی، آینده‌های پیش روی جامعه را تخمین زد و متناسب با هرکدام از آن‌ها برنامه‌ریزی و اقدام کرد (شاکری زواردهی و شاهرخی ساردو، ۱۳۹۲: ص ۷).

د) پیوند مهدویت با آینده‌پژوهی همگرایی فناورانه

بعد از شکل‌گیری موفقیت‌آمیز انقلاب اسلامی در ایران، در میان استادان و صاحب‌نظران حوزه مهدویت، رویکردهای علمی مختلفی شکل گرفته است که هرکدام از آن‌ها می‌تواند از ظرفیت ویژه خود برای تحقق آرمان‌های تمدن اسلامی بهره‌گیرد. یکی از این رویکردها، رویکرد راهبردی و آینده‌نگارانه به مهدویت بوده که از سوی برخی متفکران عرصه مهدویت مطرح شده است (برزویی، و جهانگیری فیض آبادی، ۱۳۹۷: ص ۸۲). در واقع، این رشته به عنوان رویکردی نوپا، از طریق امتزاج مبانی علمی رشته آینده‌پژوهی با آموزه‌های معنوی مکتب مهدویت به دست آمده است (الهی نژاد، ۱۳۹۸: ص ۵۷)؛ هرچند تفاوت مبانی معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی اسلامی موجب می‌شود روش‌شناسی آینده‌پژوهی مهدوی از سایر الگوهای رایج در این عرصه متفاوت و متمایز باشد (منطقی و همکاران، ۱۳۹۷: ص ۹۵۱)؛ باید این نکته را پذیرفت که نظام



معرفت‌شناختی آینده‌پژوهی، متضمن مفاهیم، روش‌ها و ابزارهایی است که برخی از آن‌ها برای مطالعات گسترده و فهم آموزه‌های الهی و وحیانی مهدویت، قابلیت کاربرد دارند (قربانی، ۱۳۹۲: ص ۱۲۳).

به ادعای برخی متفکران، مهدویت در آیین اسلام به عنوان قلب تپنده تحقیقات آینده‌محور شناخته می‌شود و آینده‌پژوه مسلمان نمی‌تواند در تحقیقات خود از ظرفیت‌ها و آموزه‌های فرهنگ مهدوی بهره نبرد (پوررستمی، ۱۳۹۲: ص ۳۱). از این منظر، رویکرد آینده‌پژوهی در جوامع اسلامی و شیعی از جایگاه خاصی برخوردار است؛ زیرا از منظر دین، آینده‌سازی در ظهور امام منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف پاسخی روشن و جامع به پرسش‌های فطری و بنیادین بشر در خصوص زندگی مطلوب و آرمانی آینده است (شاکری زواردهی و شاه‌رخی ساردو، ۱۳۹۲: ص ۷). از این رو به اسلام پژوهان و محققان مکتب مهدویت توصیه شده است که با نگاه آینده‌پژوهانه، آموزه‌های مهدوی را تحلیل و با بهره‌گیری از روش‌شناسی دینی، تفسیری دین باور از تحولات و رخدادهای آینده ارائه و برای شکل دهی به آینده بر اساس این تعالیم آسمانی راهبردهای لازم پیشنهاد کنند (فیروزآبادی، ۱۳۸۷: ص ۱۶۱). در این جنس از آینده‌پژوهی، با تأکید بر جایگاه خاستگاهی نظام حق در عالم و با گذار از نگرش‌های انسان‌بنیاد در آینده‌پژوهی تجددمدار، با محوریت بخشی به ساحت الهی عالم در جایگاهی ولایی، کنش دین‌مدارانه جوامع انسانی در رهیافتی مبتنی بر آموزه‌های مهدوی مورد تأکید قرار می‌گیرد (مطهری نژاد و خزایی، ۱۳۹۴: ص ۱۱۷).

تحقیقات پژوهش‌گران معاصر حاکی از آن است که اولویت‌دارترین عرصه برای اجرای مطالعات آینده پژوهانه دینی و مهدوی، نظام علم و فناوری است که در مقایسه با قلمروهای مشابه و مکمل، از قبیل اقتصاد، سیاست و هنر، از جایگاهی برجسته‌تر برخوردار است (برزویی، و جهانگیری فیض آبادی، ۱۳۹۷: ص ۱۱۰). بدین ترتیب، دور از تصور نخواهد بود که مطالعات آینده‌پژوهانه در مکتب مهدویت، با جریان‌های بسیار نوپدید علمی و فناورانه از قبیل فناوری‌های همگرا نیز همسویی و تناسب داشته باشد. به نظر می‌رسد آینده مطلوبی که پس از ظهور و حکومت حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف برای انسان مسلمان منتظر تصویرسازی شده است، نشانه‌هایی از جریان همگرایی فناورانه شزان را القا می‌کند. برای مثال، می‌دانیم که بر اساس



آموزه‌های دینی در عصر ظهور، طبیعت و محیط زیست در شرایط مطلوبی قرار دارند؛ به طوری که به اوج شکوفایی و بهره‌وری و کمال مادی و معنوی خود می‌رسند (شاکری زواردهی و گورکانی، ۱۳۹۰: ص ۳۷) و تحقق چنین آینده‌ای با بهره‌گیری از فناوری‌های زیست‌شناسی مصنوعی باورپذیرتر خواهد بود. از سوی دیگر، نظام تعلیم و تربیت مهدوی نیز که اصلی‌ترین راهکار خود را در مفاهیمی از قبیل تلقین و باور دنبال می‌کند (عبداللهی و موسوی نسب، ۱۳۹۳: ص ۸۲)؛ به مدد جریان همگرایی فناورانه می‌تواند از طریق ارتقای توانایی‌های ذهنی و ظرفیت‌های شناختی بشر، از بهره‌وری و اثربخشی بسیار بالاتری بهره‌مند شود.

روش تحقیق

در تبیین ویژگی‌های روش شناختی مطالعه حاضر، می‌توان به این نکته اشاره کرد که رویکرد کلی حاکم بر این تحقیق، کیفی است و در آن از تکنیک‌های دلفی و سناریونگاری استفاده شده است. بازه زمانی در این مطالعه آینده‌پژوهی، بیست ساله لحاظ شده است و مراحل اصلی آن بدین ترتیب تنظیم شده‌اند که ابتدا فهرستی از روندهای مهم بر تاثیرپذیری پدیده تعلیم و تربیت مهدوی از جریان همگرایی فناورانه تهیه شد که عبارتند از: غوطه‌وری در داده‌ها، سلطه هوش مصنوعی، نوسازی اقتصادی، اتصال همیشگی و همگانی، انعطاف‌پذیری، ظهور آبرانسان و کنترل‌پذیری رفتارهای ارادی و غیرارادی. در ادامه و ضمن مشورت با خبرگان، از طریق اجرای سه دور تکنیک دلفی، این روندهای هفت‌گانه مورد پالایش قرار گرفتند تا دو عنوان از روندهای محوری این جریان مشخص شوند. در بخش دوم، عدم قطعیت‌های تشکیل‌دهنده این کلان‌روندها (شامل جایگاه انسان در نظام حکمرانی داده‌ها و سلطه خیر یا شر بر نظام کنترل رفتار) مورد شناسایی قرار گرفت و از تلاقی آن‌ها چهار سناریو متمایز از آینده نظام تعلیم و تربیت مهدوی در سایه فناوری‌های همگرا طراحی گردیدند. فرایند تدوین سناریوها توسط محققان آغاز و از طریق مباحثه گروهی خبرگان تکمیل شده است. جامعه آماری تحقیق خبره محور حاضر را شش تن از خبرگان دانشگاهی و اجرایی تشکیل داده‌اند که در هر دو حوزه آینده‌پژوهی فناوری (با تأکید بر فناوری‌های همگرا) و تعلیم و تربیت دینی (با تأکید بر تعلیم و تربیت مهدوی) دارای سابقه تدریس، پژوهش، تألیف و یا فعالیت اجرایی باشند. شرح



مشخصات تفصیلی خبرگان این مطالعه در جدول یک آمده است. ابزار اصلی تحقیق، پرسشنامه‌های محقق ساخته‌ای بوده‌اند که اعتبار آن‌ها به تایید متخصصان مرتبط رسیده است و در مراحل سه گانه اجرای تکنیک دلفی برای همگرا کردن دیدگاه‌های خبرگان مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

جدول ۱. مشخصات خبرگان مطالعه

ردیف	جنسیت	مدرک تحصیلی	رشته تحصیلی	تعداد آثار علمی (کتاب، مقاله، پایان نامه و...)	
				تعلیم و تربیت دینی	فناوری‌های همگرا
۱	مرد	دکتری تخصصی	حقوق	۱	۳
۲	مرد	دکتری تخصصی	الاهیات	۲	۱۹
۳	زن	دکتری تخصصی	فلسفه دین	۴	۷
۴	مرد	کارشناسی ارشد	مدیریت منابع انسانی اسلامی	۲	۳
۵	مرد	دکتری تخصصی	مدیریت فناوری	۷	۲
۶	مرد	کارشناسی ارشد	نهج البلاغه	۱	۵

یافته‌ها

تجزیه و تحلیل داده‌های جمع آوری شده در مراحل مختلف مطالعه حاضر، گویای یافته‌هایی هستند که شرح مختصر آن‌ها در ادامه این بخش از گزارش آمده است.

الف) یافته‌های پژوهش: ابرروندهای کلیدی همگرایی فناورانه

برای شناسایی اولیه فهرست روندهای همگرایی فناورانه، به یکی از گزارش‌های علمی منتشر شده در پایگاه‌های اطلاعاتی فارسی زبان استناد شده است. در این فهرست، هفت کلان‌روند ناشی از جریان همگرایی فناورانه معرفی شده‌اند که از ترکیب ۵۹ روند فرعی حاصل آمده‌اند (کارگر شورکی و همکاران، ۱۳۹۸: ص ۴). جدول ۲ فهرست این کلان‌روندهای هفتگانه را نشان داده است.



جدول ۲. کلان‌روندهای همگرایی فناورانه (همان)

ردیف	کلان‌روند	روندهای تشکیل دهنده کلان‌روند
۱	غوطه‌وری در داده‌ها	تولید نامحدود اطلاعات، شکل‌گیری جامعه شناختی، رواج محاسبات شناختی، توسعه پردازش‌های پویا، نفوذ حسگرهای جاسازی شده، استفاده از منابع توزیع شده اطلاعات و حکمرانی دانش
۲	سلطه هوش مصنوعی	نفوذ بینش ماشینی، انسجام فناوری‌های هوشمند، استقلال بازیگران هوشمند شبکه، رشد خودکارسازی و عدم نیاز ماشین‌ها به کنترل انسانی
۳	نوسازی اقتصادی	اصلاح نظام پرداخت، تغییر ساختار مشاغل، ارتقای کیفیت زندگی، تغییر راهبردهای سازمانی، ارتقای بهره‌وری از منابع سازمانی، رشد کارایی و کاهش هزینه
۴	اتصال همگانی و همیشگی	تحقق جهان واحد (به هم پیوسته)، تسهیل ارتباطات، کیفیت ارتباطات سازمانی، مشارکت گسترده، ارتباطات نامحدود، شبکه‌گرایی، فرصت‌سازی برای تعاملات بین سیستمی، اتصال و یکپارچه‌سازی جهانی، تعاملات شبکه محور، ارتباطات انسان-ماشین، اینترنت تجهیزات (اشیا)، ارتباطات ماشین-ماشین، تعاملات متقابل فناوری‌ها و ترکیب اشیا
۵	انعطاف‌پذیری	توسعه کاربرد روبات‌های انعطاف‌پذیر، تغییر ساختارهای سازمانی، پویایی کسب و کار، افقی‌سازی ساختارها، محو شدن مرزها، تحول محیطی، انعطاف‌پذیری، غیرقابل مشاهده شدن رسانه‌ها و ابزارها و میان‌رشتگی مرز دانش‌ها و فعالیت‌ها
۶	ظهور آبر انسان	انسان‌های توانمندشده، یادگیری مادام‌العمر، جوامع توانمندشده، رفع محدودیت‌های شناختی انسان، تقویت ذهن اجتماعی، ارتقای عملکرد انسان، تقویت یادگیری و ادراک و انسان مدرن
۷	کنترل‌پذیری رفتارهای ارادی و غیرارادی	کنترل فرهنگ سازمانی، مشارکت گسترده در تصمیم‌گیری، تحول در نظام آموزش، مشارکت‌های داوطلبانه در مدیریت، انگیزش کارکنان، مهندسی فرهنگ سازمانی، کنترل توزیع شده، فرایندهای تحت کنترل، کاهش نیاز به کنترل و استانداردهای جهان‌شمول

اولویت‌بندی این روندهای هفتگانه، از طریق اجرای تکنیک دلفی و نظرخواهی از شش تن از خبرگان تخصصی انجام شده است. با برگزاری سه دور از دلفی، دو ابرروند اولویت دار و کلیدی از جریان همگرایی فناورانه که بیش‌ترین تأثیر را بر نظام تعلیم و تربیت مهدوی خواهند داشت؛ بدین ترتیب شناسایی شدند: غوطه‌وری در داده‌ها و کنترل‌پذیری رفتارهای ارادی و غیرارادی.



ب) یافته‌های پژوهش: عدم قطعیت‌های همگرایی فناورانه

پس از تعیین ابروندهای کلیدی همگرایی فناورانه، از خبرگان خواسته شد تا عدم قطعیت اصلی ناظر بر هرکدام از این ابروندهای کلیدی را معرفی کنند. منظور از اصطلاح عدم قطعیت، برساخته‌ای مفهومی است که حاوی دو کرانه حدی باشد و وقوع هرکدام از این دو وضعیت کرانه‌ای نیز محتمل به نظر برسد و با اطمینان کافی نتوان پیش‌بینی کرد که کدام یک از وضعیت‌های دوگانه در آینده رخ خواهد داد یا احتمال بسیار بیشتری دارد. بدین ترتیب و پس از برگزاری یک جلسه نود دقیقه‌ای (با رویکرد بحث گروهی)، عدم قطعیت‌های مرتبط با هرکدام از کلان‌روندها به شرح جدول (۳) شناسایی گردید. شرح مختصری از این عدم قطعیت‌ها بدین قرار است:

الف) جایگاه انسان در نظام حکمرانی داده‌ها: از آن‌جا که کلان‌روند «غوطه‌وری در داده‌ها»، به مفاهیمی از قبیل تولید بی‌رویه داده‌های متنوع و همچنین ضرورت شکل‌گیری نظام حکمرانی داده می‌پردازد؛ اصلی‌ترین ناطمینانی در این عرصه که بر آینده‌های نظام تعلیم و تربیت مهدوی تأثیر خواهد گذاشت؛ موقعیت بشر در تنظیم مناسبات میان ارکان مختلف این زیست‌بوم جدید است. خبرگان مشارکت‌کننده در این مطالعه، بر این اعتقادند که مهم‌ترین عدم قطعیت ناظر بر روند غوطه‌وری جهان در حکمرانی داده‌ها را جایگاه انسان در این نظام جدید تشکیل می‌دهد که می‌تواند دربرگیرنده دو آستانه حدی باشد که عبارتند از: اسارت انسان در نظام حکمرانی داده و حاکمیت وی بر این ساختار. طبیعی است که اگر بشر بتواند حاکمیت خود را در نظام حکمرانی داده به فعلیت برساند، نقش‌آفرینی انسان دینی در نظام تعلیم و تربیت قابل برنامه‌ریزی خواهد بود؛ اما در صورتی که بشر به اسیری تحت سلطه در این کارزار اطلاعاتی تبدیل شود، عناصری غیرانسانی (مانند هوش مصنوعی) تصمیم‌گیرنده اصلی در نظام آموزش و پرورش خواهند بود.

ب) سلطه خیر یا شر بر نظام کنترل رفتار: آنچه از دیدگاه خبرگان مورد مشورت در این مطالعه دارای بیش‌ترین اهمیت در میان گزاره‌های ناظر بر عدم قطعیت مرتبط با کلان‌روند «کنترل‌پذیری رفتارهای ارادی و غیرارادی» ارزیابی می‌شود؛ ماهیت ارزشی اندیشه حاکم بر نظام کنترل رفتارهاست. به بیان دیگر، این موضوع که سازکار شکل‌دهی به رفتارهای آدمی در



آینده به اختیار کدام جریان تفکری و ارزشی باشد؛ بر آینده‌های پیش روی نظام تعلیم و تربیت دینی و مهدوی تأثیری سرنوشت‌ساز خواهد داشت. قابل پیش‌بینی است که هرکدام از آستانه‌های حدی مورد انتظار در این پیوستار، شامل سلطه دستگاه شر یا تسلط نظام خیر بر فرایندها و ساختارهای شکل‌دهنده به رفتارهای ارادی و غیرارادی بشر، آینده‌ای متفاوت و حتی متضاد از نظام تعلیم و تربیت دینی رقم خواهد زد. بسته به آن‌که دیدمان ارزشی حاکم بر رفتارهای انسان آینده، برخاسته از اندیشه‌های خیرخواهانه باشد یا برخاسته از تفکرات شرط‌بانه؛ موفقیت یا ناکامی فعالان عرصه آموزش و پرورش دینی هم دستخوش نوسان خواهد بود.

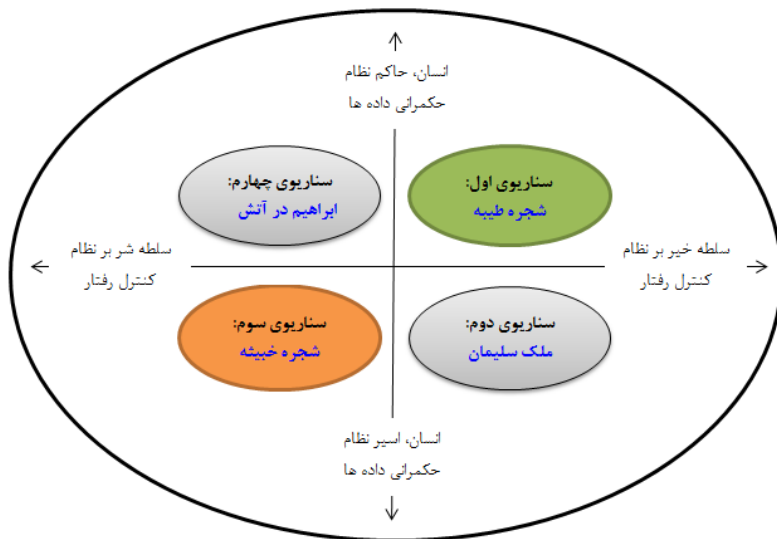
جدول ۳. عدم قطعیت‌های ناظر بر همگرایی فناورانه در نظام تعلیم و تربیت مهدوی

ردیف	عنوان کلان‌روند محوری	عنوان عدم قطعیت	وضعیت‌های کرانه‌ای عدم قطعیت
۱	غوطه‌وری در داده‌ها	جایگاه انسان در نظام حکمرانی داده‌ها	انسان، حاکم نظام حکمرانی داده‌ها / انسان، اسیر نظام حکمرانی داده‌ها
۲	کنترل‌پذیری رفتارهای ارادی و غیرارادی	سلطه خیر یا شر بر نظام کنترل رفتار	سلطه خیر بر نظام کنترل رفتار / سلطه شر بر نظام کنترل رفتار

ج) یافته‌های پژوهش: سناریوهای آینده نظام تعلیم و تربیت مهدوی

اینک دو کلان‌روند کلیدی ناشی از همگرایی فناورانه شزان و موثر بر نظام تعلیم و تربیت مهدوی شناسایی شده‌اند. از سوی دیگر، با توجه به این‌که برای هرکدام از این ابرروندها، دو وضعیت کرانه‌ای محتمل (عدم قطعیت) معرفی شده است؛ می‌توان با تلاقی دادن این دو کلان‌روند، چهار سناریو از آینده‌های پیش روی نظام تعلیم و تربیت مهدوی را تصویرسازی کرد. عنوان این سناریوها در نمودار ۱ ملاحظه می‌شود و شرح مختصر هرکدام از آن‌ها نیز در ادامه آمده است.





نمودار ۱. سناریوهای آینده نظام تعلیم و تربیت مهدوی در جریان همگرایی فناورانه

سناریو اول

در این روایت از آینده که با عنوان «شجره طیبه» نامگذاری شده است؛ از یک سو، انسان به عنوان حاکم نظام حکمرانی داده‌ها، دارای اقتدار و تسلط کافی بر جریان تولید و انتشار داده و اطلاعات در سرتاسر گیتی است؛ و از طرف دیگر، نظام کنترل رفتارهای ارادی و غیرارادی انسان‌ها در اختیار نظام خیر قرار دارد. صاحب نظران مورد مشورت در این مطالعه، اعتقاد دارند نظام تعلیم و تربیت دینی در چنین اوضاعی خواهد توانست به شایستگی، اهداف و آرمان‌های خویش را محقق کند؛ چرا که توسعه فناوری‌های همگرا در جهان، به خدمت اهداف آموزشی و پرورشی این سیستم در خواهد آمد و می‌توان با صرف کم‌ترین زمان یا انرژی، انبوهی از تعالیم دینی برخاسته از اندیشه مهدوی را به مخاطبان عرضه کرد. سطح پذیرش این آموزه‌ها در میان جامعه هدف نیز بسیار بالا خواهد بود و نمادهای رفتاری از تأثیرگذاری فرهنگ انتظار بر کنش‌ها و واکنش‌های شهروندان جامعه اسلامی به صورتی ملموس مشاهده می‌شود. از منظر خبرگان مشارکت‌کننده در پژوهش، دلیل نامگذاری این سناریو به «شجره طیبه» آن است که نظام تعلیم و تربیت دینی در این آینده، همچون درختی پر برکت، همواره در حال رشد و نمو است و دستاوردهای خود را به جامعه پیرامونش ارزانی می‌دارد. به استناد داده‌های گردآوری شده از

فرایند همفکری با خبرگان می‌توان به این برداشت دربارهٔ چنین آینده‌ای از پدیده تعلیم و تربیت مهدوی دست یافت که مفهوم واقعی انتظار سازنده در سایهٔ تحقق این اوضاع بهینه، فراهم خواهد آمد. به عبارت دیگر، در این تصویر از آینده، سازگاری محیطی برای تقویت رویکرد انتظار ناب از وضعیتی مناسب و قابل قبول برخوردار است و به مدد چنین ظرفیتی، امید آن است که جامعه اسلامی و به‌ویژه نسل جوان و در حال تعلیم شیعیان به شناخت و ادراک شایسته از مفاهیم و آموزه‌های متعالی مکتب مهدویت دست یابد.

سناریو دوم

اگر وضعیتی پدید آید که سلطه نظام خیر بر فرایند کنترل رفتارها همچنان برقرار بماند؛ اما بشر نتواند خود را بر نظام حکمرانی داده‌ها حاکم کند؛ سناریو دوم از سرنوشت نظام تعلیم و تربیت دینی رقم خواهد خورد که با عنوان «ملک سلیمان» نامیده شده است. بنا بر آنچه خبرگان مشارکت‌کننده در مطالعه اعلام داشته‌اند، در چنین فضایی، انسان با این‌که نتوانسته است ارشادیت و تفوق باستانی خود را بر سایر مخلوقات و یا مصنوعات حفظ کند؛ خوشبختانه تحت حاکمیت نظام خیر قرار دارد و اختیار رفتارهای ارادی و غیرارادی خود را به حکومت دینی شایسته‌ای سپرده است که صلاح وی را دنبال می‌کند. برآیند دیدگاه اندیشمندان طرف مشورت در این پژوهش آن است که در آینده مورد نظر نظام تعلیم و تربیت دینی، انسان، همانند سایر موجودات احتمالی (مانند سایبورگ‌ها، هوش مصنوعی و روبات‌ها) و نه برتر از آن‌ها، در سیطره نظام حکمرانی داده‌ها قرار دارد و از آن‌جا که سرشتی خیرخواهانه و دین‌باور بر سامانه کنترل رفتارها تسلط یافته است؛ تعالیم آسمانی مکتب مهدویت به شایستگی در اختیار اذهان و افکار جامعه مخاطب قرار گرفته است؛ اما به دلیل سلطه‌پذیری بشر از نظام حکمرانی داده، این اندیشه‌ها همواره در حال رقابت و هموردی با اطلاعات متفاوت و حتی متناقضی است که از سوی هوش مصنوعی حاکم بر نظام حکمروایی داده‌ها ارسال می‌شود. تحقق اهداف نظام تعلیم و تربیت دینی در آینده مورد نظر، دست‌یافتنی، ولی چالشی و مستلزم صرف انرژی و توان قابل توجه است. منطق نامگذاری چنین سناریویی با عنوان ملک سلیمان، ناشی از این برداشت است که نظام خیر بر کلیت جهان بر رفتارها حاکم است (سلطهٔ عام پیامبر خدا حضرت



سلیمان)؛ اما موجودی به نام بشر تنها عضوی از مجموعه عناصر طبیعی است که در چنین سیطره‌ای به سر می‌برد و بر سایر موجودات (حیوانات و پرندگان و...) تفوق چندانی ندارد؛ چه بسا همچون ملکه سبا در مقابل برخی از این موجودات غیرانسانی (مثلاً اجنه) کاملاً ناتوان و اسیر محسوب می‌شود. آنچه در چنین موقعیتی باعث صلاح و فلاح انسان خواهد شد، در وهله نخست قرار گرفتن در نظام سلطه خیر (حاکمیت الهی پیامبر خدا) خواهد بود.

سناریو سوم

دشوارترین و البته تلخ‌ترین آینده برای نظام تعلیم و تربیت دینی، در اوضاعی شکل خواهد گرفت که از یک سو، بشر در سیطره نظام حکمرانی داده‌ها به اسارت درآمده باشد و از طرف دیگر، نظام کنترل رفتارهای ارادی و غیرارادی انسان نیز در تسلط پدیده شر واقع شده باشد. صاحب نظران همکاری کننده در پژوهش پیش‌رو، بر این باورند که در این سناریو از آینده، به دلیل مزاحمت‌ها و ممانعت‌هایی که از سوی نظام شر، به عنوان حاکم بلامنازع فرایند کنترل رفتارها اعمال می‌شود؛ تعالیم ارزنده مکتب مهدویت، به درستی به جامعه انسانی مخاطب منتقل نمی‌شود و دسترسی به این داده‌ها بسیار دشوار و حتی غیر ممکن خواهد شد؛ ضمن آن که بشر نیز آن‌چنان در گردابی از داده‌های متفاوت و متناقض با اندیشه وحیانی و مهدوی گرفتار آمده است که توان تحلیل منطقی همان اندک دریافتی‌های آسمانی را ندارد و به همین دلیل، اهداف و آرمان‌های نظام تعلیم و تربیت دینی، نامحقق و دست‌نیافتنی مانده‌اند. عنوان این سناریو «شجره خبیثه» تعیین شده است تا نشان دهد در فقدان نظام اثربخش تعلیم و تربیتی مهدوی، انبوهی از اندیشه‌های مغایر با مهدویت در حال گسترش هستند و پیامدهای منفی این رشد ملعون، گریبان جامعه را هر لحظه بیش‌تر خواهد فشرد. به بیان دیگر، درختی که در بستر سلطه نظام شر، بر رفتارهای آدمی و تسلط موجودات غیرانسانی بر نظام حکمرانی داده رشد خواهد کرد؛ گیاه رونده و مضرری است که با بهره‌گیری از ظرفیت رشد سریع و غیرقابل کنترل خود، فضای بالندگی برای سایر گیاهان سالم (اندیشه‌های وحیانی و آسمانی) را غصب و از رشد آنان جلوگیری خواهد کرد و چه بسا ادامه حیات آن‌ها را نیز با چالش روبه‌رو کند. لطمات و پیامدهای منفی حاصل از گسترش این درخت شوم بر تمامی ارکان و عناصر زیست‌بوم حیات



بشر، پایدار و فراگیر خواهد شد.

سناریو چهارم

آخرین تصویر از آینده‌های محتمل نظام تعلیم و تربیت دینی در سایه پیشرفت فناوری‌های همگرایی شزان، زمانی به وضوح قابل تصویرسازی است که سلطه شر بر نظام کنترل رفتارها همچنان تداوم داشته باشد؛ اما انسان بتواند تسلط بر نظام حکمرانی داده‌ها را در اختیار بگیرد. بیش‌تر صاحب نظرانی که در مطالعه حاضر همکاری داشته‌اند، معتقدند چنین آینده‌ای از نظام تعلیم و تربیت دینی را می‌توان با عنوان «ابراهیم در آتش» نامگذاری کرد؛ زیرا تعالیم الهی و آموزه‌های مهدوی در این عصر، همانند دوران پیامبر عظیم‌الشأن، حضرت ابراهیم بت شکن، با ابتلائات و چالش‌های دشواری مواجه است که به دلیل سلطه نظام شر بر رفتارهای ارادی و غیرارادی انسان، دامنگیر مسئولان ترویج آموزه‌های مهدوی و دینی خواهد شد. در این سناریو، به دلیل تسلط بشر بر نظام حکمرانی داده‌ها، از حجم اطلاعات متفاوت و یا متناقض با اندیشه مهدوی کاسته شده است؛ ولی از آن‌جا که رفتارهای فردی و گروهی انسان‌ها تحت کنترل نظام شر قرار دارد، آموزه‌های انتشار یافته در زمینه ترویج فرهنگ انتظار و مهدویت نتوانسته‌اند، در تغییر بینش و رفتار مخاطبان اثربخشی لازم ایجاد کنند و از این رو، ناکارآمدی فناوری‌ها ناشی از عدم تسلط بر فناوری کنترل رفتار، اختلال در کارکردهای مورد انتظار از نظام تعلیم و تربیت مهدوی را باعث شده است؛ به طوری که اثرگذاری تلاش‌های انجام شده در این زمینه، کافی به نظر نمی‌رسد. با استناد به دیدگاه خبرگان، می‌توان تحلیل نهایی از این آینده را بدین شرح گزارش کرد که مسئولان و متولیان نظام تعلیم و تربیت مهدوی که حقانیت و اصالت اندیشه زلال مهدویت بر آنان مسلم است؛ برای پیگیری مأموریت خیر خویش، در زمینه ابلاغ این آموزه‌ها به جامعه جوان معاصر خویش، دچار چالش‌ها و دشواری‌های متعدد خواهند بود و با آن‌که از برتری نسبی در عرصه ماهیت این تعالیم در مقایسه با مکاتب شیطانی و غیرالاهی برخوردارند؛ با سنگ‌اندازی‌ها و مانع تراشی‌های جریان کلی حاکم بر نظام کنترل رفتار مواجه هستند که از دستگاه شر ناشی می‌شود.



نتیجه‌گیری

یافته‌های این مطالعه نشان داد که نظام تعلیم و تربیت مهدوی، ضمن برخورداری از مأموریتی حیاتی و نقشی پر اهمیت در نظام توسعه فرهنگی-اجتماعی جامعه اسلامی؛ در تعامل با محیط اطراف خود تحت تأثیر نظام علم و فناوری قرار دارد و در این میان، جریان نوپدید که با عنوان «همگرایی فناورانه انبیک» یا «فناوری‌های همگرایی شزان» نامیده می‌شود، می‌تواند بر این پدیده تأثیراتی عمیق و سرنوشت ساز اعمال کند. نحوه تأثیرپذیری نظام تعلیم و تربیت مهدوی از فناوری‌های همگرا، وابسته به روندها و پیشران‌های متعددی است که هفت مورد از آن‌ها احصا شد و مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: «غوطه‌وری در داده‌ها» و «کنترل‌پذیری رفتارهای ارادی و غیرارادی». بدین ترتیب و از تلاقی عدم قطعیت‌های ناظر بر این دو کلان روند، می‌توان چهار سناریو از آینده‌های نظام تعلیم و تربیت مهدوی را متصور شد که از این قرارند:

- سناریو اول (شجره طیبه): حاکمیت انسان بر نظام حکمرانی داده، به همراه سلطه خیر بر نظام کنترل رفتار؛
- سناریو دوم (ملک سلیمان): اسارت انسان در نظام حکمرانی داده، به همراه سلطه خیر بر نظام کنترل رفتار؛
- سناریو سوم (شجره خبیثه): اسارت انسان در نظام حکمرانی داده، به همراه سلطه شر بر نظام کنترل رفتار؛
- سناریو چهارم (ابراهیم در آتش): حاکمیت انسان بر نظام حکمرانی داده، به همراه سلطه شر بر نظام کنترل رفتار.

مطابقت یافته‌های حاصل از این مطالعه با دیگر پژوهش‌های مشابه حاکی از وجود شباهت‌ها و تفاوت‌های چندی است که بدین شرح قابل گزارش به نظر می‌رسد. تحقیق بلندیان (۱۳۹۴) از این منظر که بر ضرورت نگاه آینده‌پژوهانه منبعث از آموزه‌های مهدوی بر عناصر زندگی معاصر مسلمانان تأکید دارد، هم‌سو با نتایج مطالعه حاضر ارزیابی می‌شود؛ اما در معرفی ویژگی‌های آینده مطلوب و آرمان شهری تفاوت‌هایی میان این دو پژوهش وجود دارد که دلیل اصلی آن را باید اختلاف در قلمرو موضوعی آن‌ها دانست. همچنین خروجی‌های این تحقیق در

زمینه معرفی ظرفیت‌های دانش آینده‌شناسی در تمدن اسلامی و مهدوی، یافته‌های تحقیقاتی برزویی و جهانگیری فیض‌آبادی (۱۳۹۷) را تأیید می‌کنند، علاوه بر آن که هر دو این مطالعات بر اهمیت نظام علم و فناوری، به عنوان یکی از مهم‌ترین بسترهای تأثیرگذاری این جریان دینی اذعان داشته‌اند. وجه تمایز پژوهش پیش‌رو در مقایسه با آینده‌پژوهی گزارش شده توسط ضمیری و همکاران (۱۳۹۹)، تمرکز بر تحولات فناورانه جدید به عنوان یکی از پیشران‌های اصلی شکل دهنده به آینده اخلاق و تربیت مهدوی است. در واقع با وجود همسویی نسبی مفروضات این دو پژوهش و به دلیل تفاوت در مبانی روش‌شناختی، یافته‌هایی متفاوت از آن‌ها استخراج شده است. به صورت کلی همپوشانی دستاوردهای این پژوهش در عرصه ضرورت نگاه آینده‌پژوهانه به مفهوم تعلیم و تربیت مهدوی، با آن‌چه از برخی تحقیقات قبلی، از جمله فیروزآبادی (۱۳۸۷)، مطهری‌نژاد و همکاران (۱۳۹۴)، کارگر (۱۳۹۲)، الهی‌نژاد (۱۳۹۸)، شاکری زواردهی و شاهرخی ساردو (۱۳۹۲)؛ حاصل شده است؛ روشن به نظر می‌رسد.

بر مبنای نتایج این پژوهش، به مسئولان نظام تعلیم و تربیت مهدوی توصیه می‌شود ضمن تقویت تعاملات موثر با ساختارها و مسئولان نظام علم و فناوری در کشور، به پایش دراز مدت جریان‌ات توسعه فناوری، ویژه جریان همگرایی فناورانه شزنان پیردازند و از طریق ترغیب مسئولان مرتبط در نظام سیاستگذاری علم و فناوری کشور، تأسیس رصدخانه همگرایی فناورانه را در اولویت کشور قرار دهند تا بتوانند با تأثیرگذاری مثبت بر توسعه فناوری‌های همگرا در کشور، بایسته‌های پدید آمدن آینده مطلوب (سناریوی نخست با عنوان شجره طیبه) را زمینه‌سازی کنند. به محققان علاقه‌مند نیز پیشنهاد می‌شود بر اساس محدودیت‌های محقق ساخته مطالعه حاضر (به ویژه در عرصه روش‌شناختی) استفاده از تکنیک‌های رایج در رویکرد کمی به این پژوهش را مورد توجه قرار دهند و ضمن گردآوری داده‌هایی از ذینفعان مختلف نظام تعلیم و تربیت دینی و نقش‌آفرینان اصلی نظام توسعه فناوری‌های همگرا، نقشه راه تحقق آینده مطلوب این نظام را طراحی کنند.



منابع

۱. الهی نژاد، حسین (تابستان ۱۳۹۸). «مدیریت دانش مهدویت پژوهی با کاربریت دانش آینده پژوهی»، مدیریت دانش اسلامی، ش ۱، ص ۵۶-۷۴.
۲. برزویی، محمدرضا و جهانگیری فیض آبادی، احمد (بهار و تابستان ۱۳۹۷). «ظرفیت شناسی رویکرد راهبردی و آینده نگارانه به آموزه مهدویت در بستر تمدن نوین اسلامی»، اندیشه مدیریت راهبردی، ش ۲۳، ص ۸۱-۱۲۱.
۳. بقایی، حسین، میهماندوست، حمید، قهرمانی فرد، فاضل و قهرمانی فرد، کامیار (تابستان ۱۳۹۲). «الگوی مفهومی- عملیاتی راه انداز راهبردهای تربیت مهدوی در نظام آموزشی کشور»، مشرق موعود، ش ۲۶، ص ۱۶۵-۱۸۹.
۴. بلندیان، محمدمهدی (تابستان ۱۳۹۴). «گفتمان آینده پژوهی آرمانشهری در شهرهای امن اسلامی در بستر دکترین مهدویت»، مدیریت شهری، ش ۳۹، ص ۱۳۵-۱۶۳.
۵. پوررستمی، حامد (بهار ۱۳۹۲). «بایسته های علمی در آینده پژوهی مهدوی»، انتظار موعود، ش ۴۰، ص ۳۱-۴۸.
۶. توسلی، طیبیه (تابستان ۱۳۹۲). «تربیت دینی، تربیت زمینه ساز، تربیت سکولار»، مشرق موعود، ش ۲۶، ص ۱۴۳-۱۶۳.
۷. شاکری زوردهی، روح الله و شاهرخی ساردو، رضوانه (بهار ۱۳۹۲). «مهدویت و آینده پژوهی»، انتظار موعود، ش ۴۰، ص ۷-۳۰.
۸. شاکری، روح الله و گورکانی، حجت (پاییز و تابستان ۱۳۹۰). «اخلاق زیست محیطی در عصر ظهور»، انتظار موعود، ش ۳۵، ص ۳۷-۶۰.
۹. ضمیری، محمدرضا؛ بطحائی گلپایگانی، سیدحسین؛ رضایی تالارپشتی، عبدالهادی و مصباحی جمشید، پرستو (تابستان ۱۳۹۹). «ترسیم آینده اخلاقی جهان، با تأکید بر ظرفیت های عصر ظهور»، انتظار موعود، ش ۶۹، ص ۵۳-۷۷.
۱۰. عبداللهی، ابراهیم و موسوی نسب، سیدمحمدرضا (زمستان ۱۳۹۳). «نقش روش تلقین در نهادینه سازی آموزه مهدویت برای کودکان»، انتظار موعود، ش ۴۷، ص ۸۱-۱۱۰.
۱۱. علی اکبری، راضیه (بهار ۱۳۹۲). «آینده پژوهی در پرتو انتظار پویا با تأکید بر کارکرد وحدت امت اسلامی»، انتظار موعود، ش ۴۰، ص ۱۴۳-۱۶۳.
۱۲. فروزنده دهکردی، لطف الله؛ بهمنی، اکبر؛ صفیان، مهدی و امیری، محمدهاشم (۱۳۹۰). «شناسایی عوامل مؤثر بر استقرار حکومت مهدوی بر اساس رویکرد استراتژیک»، مشرق موعود، ش ۱۹، ص ۱۰۳-۱۲۹.



۱۳. فیروزآبادی، سیدحسن (تابستان ۱۳۸۷). «آینده نگاری راه بردی در دکترین مهدویت»، مشرق موعود، ش ۶، ص ۱۴۳-۱۶۲.
۱۴. قاسمی نژاد، زهرا و لک زایی، صغری (تابستان ۱۳۸۹). «امام رضا و تربیت نسل منتظر»، انتظار موعود، ش ۳۳، ص ۱۲۹-۱۶۰.
۱۵. قربانی، سعید (بهار ۱۳۹۲). «تحلیلی کارکردگرایانه برآموزه های متعالی مهدویت از نگاه آینده پژوهی»، انتظار موعود، ش ۴۰، ص ۱۲۳-۱۴۲.
۱۶. کارگرشورکی، هدایت؛ پاک نژاد، فاطمه و میرغفوری، سیدحبیب الله (اردیبهشت ۱۳۹۸). «آیا مدیریت به پایان عمر خود نزدیک می شود؟»، چهارمین کنفرانس بین المللی مدیریت صنعتی، یزد.
۱۷. کارگرشورکی، هدایت؛ میرغفوری، سیدحبیب الله؛ زارع، حبیب و سلطانی، علی محمد (تابستان ۱۳۹۷). «آینده پژوهی نظام اداری متأثر از فناوریهای همگرا در ایران»، علوم مدیریت ایران، ش ۵۰، ص ۱۰۵-۱۳۲.
۱۸. کارگر، رحیم (بهار ۱۳۸۸). «آینده پژوهی مهدوی»، انتظار موعود، ش ۲۸، ص ۶۵-۱۰۶.
۱۹. _____ (بهار ۱۳۹۲). «مهدویت و جایگاه آن در چشم انداز فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (با رویکرد آینده پژوهی)»، انتظار موعود، ش ۴۰، ص ۹۷-۱۲۲.
۲۰. محمدی، مسلم (پاییز ۱۳۹۲). «اخلاق معاشرت در حکومت مهدوی با محوریت دو مولفه تربیت اخلاقی و عدالت ورزی»، پژوهش نامه اخلاق، ش ۲۱، ص ۱۱۳-۱۲۳.
۲۱. مختاری، محمود (تابستان ۱۳۹۸). «تحلیل پیش نگرانه از نسبت فناوری های نوظهور ترا-انسانی با ارزش های اخلاقی»، پژوهش نامه اخلاق، ش ۴۴، ص ۳۳-۴۶.
۲۲. مطهری نژاد، سیدمجید؛ همایون، محمدهادی و خزایی، سعید (زمستان ۱۳۹۴). «درآمدی بر آینده پژوهی فرهنگی- تمدنی انقلاب اسلامی در پرتو اندیشه حقی مدار مهدویت»، دین و ارتباطات، ش ۴۸، ص ۱۱۷-۱۷۶.
۲۳. منطقی، محسن و الویری، محسن؛ رحمانی، جعفر و ابروش، رضا (زمستان ۱۳۹۷). «ارائه مدل مفهومی روشن شناسی آینده پژوهی اسلامی»، مدیریت فرهنگ سازمانی، ش ۵۰، ص ۹۵۱-۹۷۲.
۲۴. موسوی، سیدمهدی (تابستان ۱۳۹۲). «تربیت حماسی؛ الگوی تربیت مهدوی»، مشرق موعود، ش ۲۶، ص ۹۱-۱۱۴.
۲۵. نصیری، علی (تابستان و پاییز ۱۳۸۷). «کارکرد عدالت در تعاملات اجتماعی»، انتظار موعود، ش ۲۵-۲۶، ص ۱۹۹-۲۳۰.
۲۶. هاشمی، سیدعلی (بهار و تابستان ۱۳۸۵). «ماهیت دینی تعلیم و تربیت»، تربیت اسلامی، ش ۲، ص ۱۸۷-۲۰۷.

